

خوانش



شعر مانند یک اشتباه شیرین

خوانش شعری از حمیدرضا عبدالله‌زاده

| حمیدرضا شکارسوری

«می‌دانم با شب‌هایم چه کنم

وقتی در هیچ چایی حل نمی‌شود

با هیچ سیگاری روشن نمی‌شود

و در هیچ خوابی فرو نمی‌روم»

در گفتگمانی متکی بر منطق حاکم بر زندگی روزمره انسان‌ها شاعران همیشه در اشتباهند! شعر نه تنها به هنگام «تجاهل العارف» بلکه در ذات خود حاصل نادانی آگاهانه و عامدانه شاعران است. آن‌ها گویا قوانین عادی علمی را فراموش می‌کنند و حتی راه درست استفاده از زبان را نمی‌دانند! او نمی‌داند که شب حل شدنی نیست آن هم در جای!

او فراموش می‌کند که شب با نور یک سیگار روشن نمی‌شود!

او متوجه نیست که شب به خواب نمی‌رود!

«حمید عبدالله‌زاده» آگاهانه و عمدانه، این بدیهیات را فراموش می‌کند. اما با چه هدفی و چرا؟! او براساس منطقی که بر متن شعر حاکم کرده است، نتیجه‌گیری و استنتاج می‌کند. در این گفتمان، شب، مجازی برای شب نشینان و شب بیداران و ابزار و ادوات شب نشینی است.

در این وضعیت شب می‌تواند همچون قند در چای حل شود و محو گردد. شب می‌تواند مانند شب نشینی بی‌خواب با سیگاری سرحال شود (به ابهام روشن شدن توجه فرمایید!)

«عبدالله‌زاده» با چنین تخیل و تصویرپازی قابل تأملی یک شب طولانی تیره خسته کننده را به نمایش گذاشته است. شعر او یک اشتباه شیرین از آب درآمده است!

مردی که از ذهن پنجه رفت/حمیدرضا عبدالله زاده/فصل پنجم/۱۳۹۶/ صفحه ۱۲.

خبر روز

برخی اظهارات هنرمندان برای اخذ تابعیت و امتیاز است



خانه ملت: نایب رئیس

کمیسیون فرهنگی مجلس

معتقد است برخی هنرمندان

با اظهارات خود به دنبال این

هستند که زمینهای برای

اخذ تابعیت و امتیاز کسب

کنند. حجت‌الاسلام نصرالله

پژمانفر با اشاره به اظهارات ایلا حاتمی در نشست خبری فیلم «خوک» در جشنواره برلین مبنی بر عدم آزادی بیان در کشور و ادعای سرکوب اعتراضات، گفت: همه افراد برای اظهارنظر آزادند اما بسیاری اظهارنظرها با نوع بیان مشخص می‌شود که مبتنی بر چه داده‌ها و مستندات می‌طرح می‌شود. نماینده مردم مشهد و کلات در مجلس شورای اسلامی افزود: اگر هر انسانی انصاف داشته باشد متوجه می‌شود که امکانپذیر نیست که نیروهای انتظامی بدون سلاح با آشوبگران و افراد تخریبگر که از اسلحه‌های سرد و گرم استفاده می‌کنند و به جان و مال مردم تعرض می‌کنند و هیچ تعهدی ندارند، برخورد کند اما نیروی انتظامی با درایت و حوصله با آشوبگران برخورد کرد و حتی چند شهید داد.

عضو فراکسیون روحانیت مجلس شورای اسلامی با بیان اینکه اگر یک هنرمند حرف‌های غیرواقعی را مطرح کند، نشان می‌دهد که این فرد خودباخته و خودفرورخته است، یادآور شد: مسئله کاملاً روشن است که عدای به دنبال ایجاد فضای نامناسب در کشورند.

حجت‌الاسلام پژمانفر با تأکید بر اینکه جامعه هنرمندان کشور در بخش‌های مختلف سینما، تئاتر، موسیقی و غیره حتماً در برابر رفتار سخفیی که توسط افراد داعشی مسسک که در حوادث اخیر در تهران اقدامات نامناسبی انجام داده‌اند، موضع‌گیری مناسبی خواهند کرد، افزود: جامعه هنرمندان در برابر این افراد ساکت نمی‌ماند و در این موضوعات تلاش می‌کند همراه با مردم طرف انصاف، عدالت و منافع کشور را بگیرند. نایب رئیس کمیسیون فرهنگی مجلس شورای اسلامی تصریح کرد: جامعه هنری کشور به افراد خودفرورخته ای که خاستگاه و حرکات آنها در جلب جریان استکباری است و دنبال این هستند که زمینهای برای اخذ تابعیت و امتیاز کسب کنند و در کشورهای بیگانه اظهارات خلاف واقعیت مطرح می‌کنند، بهترین پاسخ را خواهند داد و برخورد مناسب و مقتضی را انجام می‌دهند.

پیشنهاد امروز

کتابی تاریخی برای درک مفهوم استقلال

فرهنگ و هنر: خواندن تاریخ درس‌های زیادی برای همه بخصوص نوجوانان و جوانانی دارد که آینده کشور به دست آن‌ها رقم می‌خورد.

کتابی که امروز برای مطالعه پیشنهاد می‌کنیم، یک مجموعه دو جلدی تاریخی است که با خواندن آن به درک درست‌تری از مفهوم استقلال و قطع وابستگی کشور به بیگانگان در سایه انقلاب اسلامی خواهیم رسید. این کتاب، «استقلال ایرانیان زیر نفوذ بیگانگان» نام دارد

که با هدف بررسی نفوذ قدرت‌های خارجی در ساختار سیاسی، اقتصادی و فرهنگی ایران توسط انتشارات مدرسه منتشر شد. این مجموعه به قلم جواد کمور بخشایشی و داوود قاسمیور به نگارش درآمده است.

جلد اول این مجموعه، به باخوانی سلطه کشورهای روسیه، انگلستان و آمریکا بر ایران در دو دوره قاجار و پهلوی می‌پردازد و طی آن حوادثی تاریخی همچون عهدنامه‌های ترک‌منشاهی و گلستان، معاهده پاریس، قرارداد دارسی، تأسیس بانک شاهنشاهی، قرارداد ۱۹۱۹ و کودتای سوم اسفند مورد بررسی قرار گرفته است.

جلد دوم این مجموعه با عنوان فرعی «آمریکا در ایران» با تکیه بر اسناد لانه جاسوسی آمریکا، به نفوذ این کشور در ایران پرداخته و حوادث و مسائلی چون قتل مازور ایمبری، موضوع آمریکا در نهضت ملی شدن نفت، کودتای ۲۸ مرداد، تأسیس سلواک، طرح جانسون، لایحه کاپیتولاسیون و… را مورد بررسی قرار می‌دهد.

خبرنگار قدس با کاروان جانبازان زن همکلام شد

جنگ برای ما تمام نشده است

| فرهنگ و هنر | زهره کهندل | جنگ جای

زن‌ها نیست اما وقتی شعلهایم برافروخته شود، دامن همه را می‌گیرد از زن و مرد گرفته تا پیر و جوان و کودک. اما زخمی که از جنگ بر جان و جسم زن و کودکان می‌ماند، عمیق‌تر است. روزهای پایانی هفته گذشته کاروانی به مشهد آمد که ۲۶ زن با یک درد مشترک، راهی حرم علی‌بن‌موسی‌الرضا(ع) شدند، همه آنها زخم خورده جنگ بودند، جانبازان بالای ۷۰ درصد که بخشی از وجودشان در جنگ عراق علیه کشورمان، جا مانده بود.

«بتول منصوری» دختر جوانی است که ۳۴ سال سن دارد، وقتی سه ساله بود در بمباران هوایی سال ۶۵ در شهرک صنعتی هفت تپه خوزستان، مجروح شد. بسیاری از مردمان آن منطقه در آن بمباران شهید شدند و عده‌ای هم جراحات برداشتند مادرش ۲۵ درصد جراحات از بمباران را به یادگار برده است. او می‌گوید: روزهای کودکی‌ام در بیمارستان‌ها و با درد گذشت، با پزشکان و پرستارها بزرگ شدم. منصوری خاطراتش را اینگونه تعریف می‌کند که جنگ، بچگی‌ام را گرفت. تاهشت سالگی، عمل‌های سنگین داشتم، شب‌ها گریه می‌کردم و از خودم بدم می‌آمد، خیلی تنها بودم و فقط یاد خدا آرامم می‌کرد.

هر روز برای ما، جنگ است

پنج ماهه باردار بود که یک بمب، آوار شد روی جادرشان. «ناهید شجاعی» سال ۶۷ یک زن جوان بود که دو فرزند داشت و چشم به راه سسومی بود. وقتی اهالی شهر بروجرود بخاطر بمباران هوایی، روز و شب نداشتند زندگی‌شان را برداشتند و از شهر خارج شدند. بیرون از شهر، جادر زندم اما دقیقاً یک روز قبل از اعلام آتش بس بمباران هوایی شهرها، یک بمب روی جادرشان فرود می‌آید بمبی که هم شوهر و مادرش را از او می‌گیرد و هم بچه پنج ماهه توی شکمش را. پسر سرگناشت. برای اینکه روحیه‌اش را از دست ندهد به او گفته بودند که مادر و همسرش داشت، ترکش می‌خورد و دخترشش که توی جادر خانواده همسرش بود، از آسیب جدی در

امان می‌ماند اما پسر خواهرش که در جادر آن‌ها

بود، شهید می‌شود. می‌گوید: در یک لحظه همه زندگی‌ام را از دست دادم، عزیزانم را از دست دادم. ما هیچ دفاعی نداشتیم. از آن دوران فقط دردهایش را به یاد دارد. مورفین‌هایی که پشت سر هم به او تزریق می‌کردند تا درد جراحات پلها و ستون فقراتش را فراموش کند.

اولین باری که به هوش آمد، خبر آتش‌پس بمباران هوایی شهرها را شنید. اشک امانش را برید که کاش یک روز زودتر این اتفاق می‌افتاد. عمل‌های جراحی سنگین و طاقت فرسایی را پشت سرگناشت. برای اینکه روحیه‌اش را از دست ندهد به او گفته بودند که مادر و همسرش زندماند. گاهی هم پسر کوچکش را با صورت

آنچه می‌خوانید

حرف مشترک و دعای همه‌شان در یک جمله خلاصه می‌شد:
امیدواریم که هیچ وقت مردم کشورمان روی جنگ را نپینند.
زن‌هایی که ایران مدیون ایستادگی و رنج‌های خاموش آن‌هاست

باندپچی شده بر بالینش می‌آوردند. به عشق فرزندانش، همه درها را تحمل می‌کرد و با خودش عهد بسته بود که بخاطر بچه‌هایش باید همه این سختی‌ها را تاب بیاورد.



عکس: آ. عرب‌زبان

بعد از دوماه فهمید که مادر و همسرش شهید شدند. قبل از آن می‌گفتند که آنها در تهران، بستری‌اند و حالشان از تو بهتر است، مثل تو درد نمی‌کشند.ناهیدشجاعی می‌گوید:جنگ‌خانمان سوز است. جنگ برای جانبازان تمام نشده و هر روز برای ما، جنگ است. گاهی برای نواش، «ششاط» چهارساله از قصه جنگ می‌گوید. اینکه روزی روی پا راه می‌رفته و مجبور نبوده که چهار دست و پا برود. اینکه بابا حسن(شوهرش) در جنگ شهید شده است. اینکه چه زندگی خوبی داشته و جنگ خرابش کرده است.گاهی هم دلش برای بچه توی شکمش که قربانی جنگ شد، تنگ می‌شود. تعریف می‌کند: سه روز در شکم من جان‌کند.

پزشک‌ها همه تلاش‌شان را کردند که بچه سالم بماند ولی سه روز بود که آرام و قرار نداشت و بعد از آن هم دیگر تکان نخورد، گفتند که توی شکمم مرده است.

ناهید خانم می‌گوید: گاهی فکر می‌کنم که اگر حمله صدام نبود، شوهرم کنارم بود، سالم بودم، پسر پنج ماهه توی شکمم، الان یک جوان رعنا شده بود و روزهایم در این سی سال با بیمارستان و درد نمی‌گذشت. تعریف می‌کند: برای اینکه دردهایم را تسکین دهم، ذکر می‌گفتم و با خدا حرف می‌زدم. کسی را جز خدا نداشتم که دردهایم را برایش بگویم، نه شوهرم کنارم بود و نه مادرم.

خانه‌ای که خالی بود

دانش آموز کلاس سوم بود که مدرسه‌شان در کرمانشاه، هدف بمباران موشکی قرار گرفت. سال ۶۵. «فرانت مسعودی مقدم» در آن حادثه از ناحیه پا و کمر آسیب دید و سال‌هاست که ۶۰ درصد جانبازی را با خودش یدک می‌کشد. بسیاری از همکلاسی‌هایش شهید شدند می‌گوید: خیلی سال گذشته از آن زمان ولی هنوز زخمش بر تن ما هست.

و عرب‌زبان، آن زمان دختر ۱۶ ساله‌ای بود که خانه‌شان مورد هدف بمباران هوایی قرار گرفت. پنج نفر از خانواده‌اش شهید شدند، برادرش، دوخواهرش، مادرش و پسر خواهرش. «ورده» است که با پای مصنوعی سسر می‌کند. خواهر کوچکش، جراحات جدی برداشت اما تنش پر شد از ترکش‌های ریز. می‌گوید: وقتی برگشتم خانه، هیچکس آنجا نبود، خانه شلوع، ما، خالی شده بود. ما بودیم و یک خانه خرابه با قاب عکس عزیزان‌مان. حرف مشترک و دعای همه شان در یک جمله خلاصه می‌شد: امیدواریم که هیچ وقت مردم کشورمان روی جنگ را نپینند، زن‌هایی که ایران مدیون ایستادگی و رنج‌های خاموش آن‌هاست.

کوتاه و خواندنی

نسخه دوبله آماده نبود



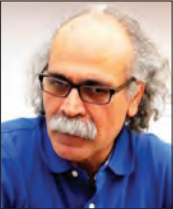
مهر: مجید مجیدی کارگردان فیلم «آن سوی ابرها» گفت: می‌خواهم صداقانه اعتراف کنم خود من از ابتدا در کنار بخش‌کننده فیلم موافق زمان پخش این فیلم در شرایط و زمان موجود و تعیین شده نبودم. نسخه فیلم همراه با زیرنویس برای نمایش آماده شده بود اما من دوست داشتم که هم‌زمان با نمایش نسخه زیرنویس، نسخه دوبله فیلم نیز به نمایش در بیاید اما متأسفانه علیرغم تلاش‌هایی که از سوی دوستان و پخش فیلم انجام شد، نسخه دوبله فیلم آ گونه که مد نظر من بود فراهم و آماده نشد و مورد پسند من نبود.

مجموعه اشعار عباس براتی پور منتشر شد



تسنیم: مجموعه شعر «ارغوانی‌ها» شامل اشعار آیینی عباس براتی‌پور منتشر شد. براتی‌پور درباره این مجموعه شعری گفت: مجموعه اشعار آیینی‌ام را در این کتاب جمع‌آوری کرده‌ام. «ارغوانی‌ها» شامل غزل، رباعی، دوبیتی، قصیده و مثنوی کوتاهی می‌شود که همگی در یک مضمون سروده شده‌اند. عباسعلی براتی‌پور متولد سال ۱۳۲۲ در تهران است. از جمله فعالیت‌های ادبی وی می‌توان به اداره جلسات نقد و بررسی شعر حوزه هنری از سال۱۳۶۸، کارشناس شعر و دبیر کانون شاعران بنیاد جانبازان به مدت شش سال اشاره کرد.

ماشین ادبیات درست کار نمی‌کند



ایسنا: فرهاد حسن‌زاده داستان نویس، درباره وضعیت ادبیات کودک و نوجوان گفت: ماشین ادبیات ما به درستی کار نمی‌کند و همین باعث می‌شود نویسندگی در کشور ما به شکل حرف‌های پا نگیرد؛ با نگاهی عمیق به وضعیت اقتصادی اکثر نویسنده‌های بیمیم که نویسنده‌ها نمی‌توانند از طریق نویسندگی تمام‌وقت زندگی خود را تأمین کنند و این موضوع بر کیفیت اثر تأثیر می‌گذارد. اگر تیراژ کتاب پایین باشد درصدی که به نویسنده تعلق می‌گیرد ناچیز است و نویسنده وقت کمتری برای کتاب می‌گذارد.

مینا ساداتی، هنگامه قاضیانی و حسین سلیمانی

هم از همان ابتدا اولین انتخاب‌های ما بودند. در خصوص بازی جمشیدهاشم پور باید بگویم که من قول حضور ایشان را در کارم از زمان حضورشان در فیلم «استشهادی برای خدا» که من به عنوان دستیار با آن پروژه همکاری داشتم گرفتم که بعد از نگارش اولین مطمئن شدم که کسی به اندازه وی ایده‌آل نیست که البته فیلمنامه بعداً با توجه به حضور ایشان پرداخت نهایی شد.

کارگردان «هاری» درباره تأثیرپذیری خود از سینمای کیمیاپی نیز گفت: تأثیر سینمای مسعود کیمیایی بر نسل ما علاقه‌مند شدن‌مان به سینما انکارناپذیر است و من هم منکر تأثیر و علاقه‌ام از فیلم‌ها و کارگردانی مثل ایشان نیستم ولی چنین برداشتی را هم در مورد این فیلم نمی‌پذیرم. هاری فیلم متولد شده یک گروه هنرمندان است.

وی درباره دلیل انتخاب فیلمنامه‌ای نوشته شده برای ساخت فیلم، گفت: من به تفکر جمعی و کار گروهی اعتقاد دارم. نویسندگی کار من نیست

کارگردان فیلم سینمایی «هاری» گفت:

این یک فیلم خیابانی است

| فرهنگ و هنر | تکتم

بهار دوست | فیلم سینمایی

«هاری» به قلم امیرعلی محسنین،

کارگردانی امیراحمد انصاری و تهیه‌کنندگی

مهدی مددکار محصول سالل ۱۳۹۳ است

که این روزها روی پرده سینماهای کشور رفته است. این فیلم‌آری اجتماعی با حضور جمشیدهاشم‌پور است که در بخش جلوه‌گاه شرق سی و چهارمین جشنواره جهانی فیلم فجر حضور داشت.

کارگردان این فیلم در گفت و گو با خبرنگار ما درباره روند نگارش فیلمنامه «هاری» گفت: در بحث‌هایی که با امیرعلی محسنین نویسنده داشتم به این نتیجه رسیدیم که دیدگاهی در جامعه مخصوصاً در نسل جوان، در حال شکل‌گیری است که هدف، وسیله را توجیه می‌کند و مسئله سبب درگونی فرهنگی در معنی و رفتار جامعه می‌شود.

وی افزود: از آن‌جایی که من هم مثل خیلی دیگر از دوستانم، دغدغه اجتماعی دارم، رنگ و بوی خطر را احساس می‌کردم که ما در حال از



منوط نیست. گفتنی است فیلم سینمایی «هاری» با بازی میلاد کی‌مرام، علیرضا کمالی، مینا ساداتی، حسین سلیمانی، مجید واشقانی، اکبر معززی، ماز به ماش‌اللهی، اصغر طیبسی، علی گلپهاریان، هنگامه قاضیانی و جمشید هاشم پور از ۲۵ بهمن و پس از برگزاری جشنواره فیلم فجر در سینماهای تهران و شهرستان‌ها و پس از انجام پاره‌ای اصلاحات و بازایت محدودیت سنی به نمایش درآمده است.